

بهاء‌الدین محمد مختاری؛ نخستین مترجم لهوف

دکتر جلیل تجلیل

استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

و حسین بخشی

(از ص ۱ تا ۱۸)

چکیده:

سید بهاء‌الدین محمد مختاری یکی از علمای بزرگ شیعه مذهب دوره صفوی و صاحب ده‌ها تألیف است که شخصیت عظیم او تاکنون ناشناخته مانده است. مختاری در شاخه‌های مختلف علوم روزگار خود از جمله فقه، اصول، فلسفه، کلام و حدیث متبحر و سرآمد بوده و از علمای بزرگ زمان از جمله علامه مجلسی اجازه‌نامه داشته است.

مختاری که در آرزوی نوشتن کتابی در مراثی اهل بیت پیامبر (ص) بود، برای نخستین بار کتاب لهوف سید بن طاووس را که از معتبرترین مقاتل در تاریخ شیعه است، از عربی به فارسی ترجمه کرد که این اثر ارزشمند او همچون شخصیت گرانقدرش تاکنون از نظرها پنهان مانده و بر خلاف نظر کسانی که کتاب «لجة الألم» را اولین ترجمه لهوف می‌دانند، ترجمه اللهوف مختاری نخستین ترجمه این کتاب است. در این مقاله برآنیم تا مختاری، آثار و ترجمه اللهوف او را معرفی نماییم.

واژه‌های کلیدی: مقتل، سید بن طاووس، لهوف، بهاء‌الدین مختاری،

ترجمه اللهوف.

مقدمه:

امام حسین - علیه السلام - خالق بزرگترین حماسه انسانی در طول تاریخ بشریت بود. او جان و مال خود را در راه دفاع از حقیقت و حریم آزادی و آزادی و هویت انسانی که در معرض نابودی بود فدا کرد تا همه آنها را زنده نگه دارد.

شیعیان آن حضرت برای آنکه وقایع این حادثه بزرگ و مصیبت‌های خاندان پیامبر در روز عاشورا فراموش نشود به نوشتن و ثبت و ضبط این وقایع پرداختند که این نوع نوشته‌ها بیشتر به عنوان مقتل شناخته می‌شوند.

علامه دهخدا ذیل واژه مقتل می‌نویسد: «کتابی که در آن شرح قتل حسین بن علی (ع) کنند؛ کتابی که درباره واقعه کربلا تألیف شده باشد.» (لغت نامه، ذیل مقتل)

البته مقتل نویسی فقط به امام حسین (ع) اختصاص ندارد بلکه درباره دیگر ائمه و اشخاص نیز مقاتلی نوشته شده است. مرحوم آقا بزرگ تهرانی حدود صد مقتل را به ترتیب در کتاب نفیس «الذریعه» نام برده‌اند که بیشترین تعداد این مقتل‌ها مربوط به امام حسین (ع) و تعدادی دیگر مربوط به امام علی (ع)، امام حسین (ع)، حضرت عباس (س)، عمر بن خطاب و عثمان، دو خلیفه مقتول، محمد بن ابی بکر، عبدالله بن زبیر، حجر بن عدی، اولاد مسلم و... می‌باشد. (نک: تهرانی، ذج ۲۲، صص ۲۱۳۵) که احتمالاً قدیمی‌ترین مقتل مکتوب مربوط به اصیغ بن نباته مجاشعی است که از یاران خاص امام علی (ع) بوده و بعد از سال ۱۰۰ هجری در گذشته است. (تبریزیان، صص ۳۳-۳۴)

سید بن طاووس

یکی از معروفترین مقتل نویسان تاریخ تشیع که مقتل او از موثوقترین مقاتل است، عالم بزرگ شیعه در قرن هفتم، سید بن طاووس می‌باشد که مقتل او «الملهوف علی قتلی الطفوف» نام دارد که به لهوف معروف است. سید بن طاووس در نیمه ماه محرم سال ۵۸۹ هـ ق در شهر جله به دنیا آمد و صبح روز دوشنبه، پنجم ذی القعدة سال ۶۶۴ هـ ق در سن هفتاد و پنج سالگی درگذشت. (فهری، ص ۸) او یکی از بزرگترین دانشمندان

تاریخ تشیع است و نزدیک به شصت عنوان کتاب تألیف نموده که معروفترین آنها همان لهوف است. این کتاب به عربی نوشته شده و در سه مسلک تنظیم یافته است: مسلک اول در امور مقدم بر قتال، مسلک دوم در وصف قتال و مسلک سوم در امور بعد از قتال. این کتاب به خاطر اهمیت زیاد آن چندین بار به فارسی ترجمه شده است. مرحوم آقا بزرگ تهرانی در کتب خود از سه ترجمه نام برده‌اند:

- ترجمه احمد بن سلامه نجفی که وی این ترجمه را به دستور شخصی به نام احمد بیگی انجام داد. (تهرانی، مصنفات شیعیه، ج ۲، ص ۵۳)

- فیض الدموع یا فیض الدع، ترجمه وقایع نگار (همان، ذیح ۱۶، رقم ۱۹۴۳).

- لجة الألم و حجة الامم، ترجمه میرزا رضاقلی خان که در سال ۱۲۸۳ فوت کرده است (همان، ج ۱۸، رقم ۱۸۸) و تاکنون آن را اولین ترجمه لهوف می‌دانستند (حسن زاده، ص ۱۰). اخیراً ترجمه‌های دیگری نیز از لهوف صورت گرفته است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

- سوگنامه کربلا، ترجمه محمد طاهر دزفولی؛

- آهی سوزان بر مزار شهیدان، ترجمه سید احمد فهری زنجانی که ابیات عربی را به صورت نظم به فارسی برگردانده است؛

- ترجمه لهوف عبدالرحیم عقیقی بخشایشی؛

- ترجمه ابوالحسن میرابوطالبی با مقدمه شیخ فارس تبریزیان.

اما در این میان، ترجمه نفیسی از کتاب لهوف وجود دارد که تا به حال از نظر کتابشناسان به دور مانده است و آن ترجمه اللهوف بهاء‌الدین مختاری است و برخلاف نظر کسانی که لجة الألم را قدیمی‌ترین و اولین ترجمه فارسی این اثر می‌دانند، این کتاب نخستین ترجمه یافت شده لهوف می‌باشد.

بهاء‌الدین مختاری

نام کامل او سید بهاء‌الدین محمد بن میر محمد باقر حسینی نائینی مختاری است که گاهی به آخر اسم او اصفهانی و سبزواری نیز افزوده شده است. او از علمای مشهور

شیعه مذهب دوره صفوی و از علمای پرکار آن دوره بوده است. در اصفهان به دنیا آمد (تهرانی، الکرکوب المنتشره، ص ۱۰۸) و در رساله‌ای که «ترجمة السيد بهاء الدین» نام دارد و خودش آن را در شرح حال خود نوشته، سال تولد خود را ۱۰۸۰ هـ ق ثبت کرده است (همان، ذج ۴، ص ۱۵۳).

مختاری سید حسینی است و نسب او با ۳۰ واسطه به امام سجاد (ع) می‌رسد (روضانی، صص ۲۳-۲۴). اجداد مختاری از بزرگان روزگار خویش و عده‌ای از آنها راویان حدیث بوده‌اند. عبیدالله الأعرج جد بیست و هشتم مختاری از اصحاب بزرگ امام صادق (ع) بوده است که نسب سادات اعرجی به وی ختم می‌شود. فرزند عبیدالله، علی الزوج الصالح، جد بیست و هفتم مختاری نیز از اصحاب امام موسی بن جعفر (ع) و امام رضا (ع) بوده که در خدمت امام رضا (ع) در خراسان رحلت کرد و علی بن عبیدالله الثانی جد بیست و پنجم مختاری از اعظام محدثین کوفه بوده است. (همان، صص ۲۴-۲۵)

علت اشتها این خاندان، به «مختاری» این است که ابوعلی عمر مختار، جد بیستم بهاء‌الدین، امیر حاج و نقیب شهر نجف بوده و از آنجا که از بزرگان و اشراف زمان خود بوده، اولاد او نیز به نام او منسوب شدند (همان، ص ۲۵). جد دهم مختاری «شمس‌الدین علی» که او نیز نقیب نجف بود، به خراسان سفر کرد و در سبزوار متوطن شد و در سال ۸۳۶ هـ ق از دنیا رفت و در همانجا دفن شد (همان، ص ۲۵) و به همین دلیل، افراد این خاندان به سبزواری نیز مشهور شدند.

بهاء‌الدین مختاری از معاصرین شیخ حرّ عاملی و از پسر عموهای سیدناصرالدین احمد بوده است (همان، ج ۱۳، ص ۱۲۴) و پسری به نام سید محمدبن بهاء‌الدین داشت (همان، ج ۲۰، ص ۱۱۶) میرزا محمدباقر خوانساری او را از ارکان علما و اعیان آنها و ادیبی ماهر می‌داند و می‌گوید که تألیفات او دلیل علو همت اوست (خوانساری، ص ۱۲۲). سید احمد روضاتی نیز او را چنین توصیف می‌کند: «هو آية عظمی من آیات العلم والدین و من ذخائر الدهر و حسنات العالم کله و من عباقرة عصره و العلم الهادی لكل فضیلة...»

محقق فی الفقه و اصوله، مجتهد مستنبط فی الفروع، محدث بارع خبیر، فیلسوف متکلم حکیم... (روضانی، ص ۲۷). مختاری علاوه بر تمام فضایل علمی و اخلاقی، خط زیبایی نیز داشت و انواع خط را در نهایت زیبایی می‌نوشت. (همان، ص ۳۴)

مختاری از سه دانشمند بزرگ عصر خود، شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی و فاضل هندی اجازه دریافت کرده است که مرحوم آقا بزرگ تهرانی هر سه اجازه را به خط خود آن سه بزرگ ملاحظه کرده‌اند (آقا بزرگ، ذ، ج ۲، ص ۳۴۴). اما تاریخ وفات او دقیقاً مشخص نیست. آخوند ملا عبدالکریم جزوی سال وفات او را حدود ۱۱۳۰ هـ ق می‌داند (جزوی، ص ۲۰۶) اما این نظر صحیحی نیست، زیرا کتابهای موجود مختاری نشان می‌دهد که وی در سالهای پس از ۱۱۳۰ نیز در قید حیات بوده است. از جمله تاریخ اتمام یکی از رساله‌های خود به نام تقویم المیراث زا سنه ۱۱۳۱ هـ ق قیده کرده است. (تهرانی، الکواکب المنتشرة، ص ۱۰۸).

مرحوم آقا بزرگ تهرانی سال وفات او را حدود ۱۱۴۰ هـ ق ثبت کرده‌اند (همان، ص ۱۰۷). به احتمال زیاد او بین سالهای ۳۰ و ۴۰ قرن دوازدهم در آوان فتنه افغان درگذشته است. (همان، ذ، ج ۱۳، ص ۳۰۶) و (خوانساری، ص ۱۲۲) اسماعیل پاشا بغدادی تاریخ وفات او را ۱۱۳۳ هـ ق ثبت نموده است. (ایضاح المکتون، ج ۱، ص ۶۱۵) و (هدیه العارفین، ج ۲، ص ۳۱۶) مختاری در اصفهان از دنیا رفت و در نخت فولاد به خاک سپرده شد. (جزوی، ص ۲۰۶) اما در ماجرای فتنه افغان قبر او از بین رفت به نحوی که اثری از آن در مقابر اصفهان باقی نماند. (روضانی، ص ۳۷)

آثار مختاری

همانطور که گفتیم بهاء‌الدین مختاری از علمای پرکار دوره خود بوده است به نحوی که حدود شصت کتاب، رساله، شرح، حاشیه و ترجمه از وی به یادگار مانده است. آثار مختاری عبارتند از:

۱- الإجماع: رساله استدلالی است در یک مقدمه و چند اصل پیرامون اجماع و حجیت آن با نقل اقوال بسیاری از دانشمندان علم اصول و فقه. (حسینی، ج ۹، ص ۱۶۰)

۲- إرتشاف الصافی من سلاف الشافی: تلخیص و مختصری است از کتاب «الشافی فی الإمامة» شریف مرتضی (۴۳۶ ه.ق). در این کتاب، مطالب مکرر و زیادی از شافی افتاده و هیچگونه تصرفی در اصل نشده است و چنانچه مختاری، اضافه‌ای می‌آورد، در حاشیه می‌باشد تا در متن تصرف نشود. (همان، ج ۲، ص ۵)

۳- الإرت؛ کبیر (آفابزرگ، ذج ۱، رقم، ۲۲۵۰)

۴- الإرت؛ متوسط (همان، رقم ۲۲۵۱)

۵- الإرت؛ صغیر (همان، رقم ۲۲۵۲)

مختاری هر سه کتاب را به فارسی نوشته است.

۶- أمان الايمان من أخطار الأذهان (همان، ج ۲، رقم ۱۳۶۶)

۷- انارة الطروس فی شرح عبارة الدروس: مؤلف رساله‌ای نگاشته بود به نام «عمدة الناظر فی عقدة الناظر» در عدم صحت نذری که موکول به بعد از مرگ انسان باشد. شخصی بر مؤلف ردی نوشته و در آن، استدلال به عبارتی از کتاب «الدروس» شهید اول نموده بود. مؤلف در پاسخ گفتار وی این رساله را نگاشته و روز جمعه ۲۶ جمادی الثانی ۱۱۱۴ ه.ق به پایان برده است. (حسینی، ج ۹، صص ۱۶۰-۱۵۹)

۸- باسط الأیدی بالبینات فی تساقط الأیدی والبینات: موسوم به «حجیة الید» که بدان اشاره خواهد شد. (صدرا، ص ۶۴۹)

۹- البیع: در تعارض حق مشتری و بائع است. (حسینی، ج ۹، صص ۱۵۹-۱۵۸)

۱۰- ترجمة السيد بهاء الدين: این رساله ضمن مجموعه‌ای از تصانیف مختاری به خط خود وی در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. (تهرانی، ذج ۴، رقم ۷۲۷)

۱۱- ترجمة اللهوف

۱۲- التسليم على النبي في التشهد الأخير: در حکم سلام بر پیامبر (ص) در تشهد اخیر نماز و اینکه بنابر رأی مؤلف مستحب است آوردن آن نه واجب چنانچه بعضی از فقها گفته‌اند. (حسینی، ج ۹، ص ۱۶۱)

۱۳- تعديل الميزان في تعليق علم الميزان: حاشیه‌ای است بر حاشیه تهذیب

المنطق عبدالله یزدی. مؤلف در آن اشاره می‌کند که او این کتاب را بعد از اثر دیگرش موسوم به «محبی الأذهان فی شرح لسان المیزان» تألیف کرده است. (طباطبایی، فهرست مجلس، ج ۲۴، ص ۱۸۵-۱۸۴)

۱۴- تفریح القاصد لتوضیح المقاصد: تکمله و شرحی است بر کتاب «التوضیح» شیخ بهایی و از آنجا که نام کوچک مختاری، بهاء‌الدین است، لذا به آن «تاریخ البهائیین» یا «العاملی و المختاری» نیز گفته می‌شود. در آن ابتدا عین عبارت توضیح المقاصد را می‌آورد، سپس آنچه را که بدان افزوده شده است و از اصل کتاب فوت شده می‌نویسد. این کتاب ضمن مجموعه‌ای از رسائل مؤلف به خط خودش در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. (تهرانی، ذج ۴، رقم ۱۱۵۹)

۱۵- تلخیص الشافی: موسوم به «إرتشاف الصافی من سلاف الشافی» که به آن اشاره شد. (همان، رقم ۱۸۶۷)

۱۶- حاشیه «شرح الصحیفة الكاملة السجادية»: شرح صحیفه از سید علیخان مدنی (فو: ۱۱۲۰ هـ ق) است. مختاری این اثر را در رساله ترجمه نفس خود ذکر کرده و مرحوم آقا بزرگ تهرانی نسخه‌ای از آن را در مکتبه مجلدالدین دیده‌اند. (همان، ج ۶، رقم ۶۷۰)

۱۷- حاشیه «الأشباه و النظائر»: اصل کتاب از سیوطی (فو: ۹۱۰ هـ ق) است. (همان، ذ ۲۰، رقم ۹۱۱) مختاری در این حاشیه از سید علیخان مدنی حکایت کرده که سید علیخان کتابی از سیوطی دیده است که در آن به استبصار و حقیقت رسیده و به امامت علی (ع) طبق اعتقاد شیعه استدلال کرده است. (همان، ج ۶، رقم ۷۵)

۱۸- حاشیه «المعالم»: المعالم، مقدمه‌ای در اصول فقه است که شیخ حسن بن زین‌الدین الشهید الثانی (فو: ۱۰۱۱ هـ ق) آن را تألیف کرده است. المعالم، مشهورترین کتاب شهید ثانی است و به همین جهت وی به «صاحب المعالم» نیز مشهور است. (همان، ص ۲۰۴) مختاری در حاشیه‌ای که بر شرح الصمدیه نوشته به این حاشیه ارجاع داده است. (همان، رقم ۱۱۶۹)

۱۹- حاشیه حاشیه المختصر النافع: حاشیه بر حاشیه‌ای که شیخ نورالدین علی بن حسین بن عبدالعالی الکرکی (ف: ۹۴۰هـ.ق) بر کتاب «المختصر النافع» یا «کتاب النافع فی مختصر الشرایع» تألیف محقق الحلّی نوشته است. (همان، رقم ۱۰۶۱)

۲۰- حاشیه «آیات الأحکام» تألیف مقدّس اردبیلی: مختاری آن را در فهرست تصانیف خود ذکر کرده است. (همان، رقم ۱۶)

۲۱- حاشیه «شرح المطالع» موسوم به «لوامع الأسرار فی شرح مطالع الأنوار»: در اصل، تألیف سراج الدین محمود بن ابی بکر الارموی (ف: ۶۸۹هـ.ق) و شرح آن از قطب الدین محمد بن محمد الرازی البویهی النحّانی (ف: ۷۶۶هـ.ق) است که آن را برای غیاث الدین الوزير تألیف کرده است. (همان، ص ۱۳۲)

۲۲- حاشیه بر حاشیه شریفیه بر شرح المطالع: (همان، رقم ۷۲۵)

۲۳- حاشیه «المطوّل»: المطوّل، تألیف سعدالدین تفتازانی (متوفی ۷۹۲) است. آقا بزرگ این حاشیه را به صورت غیر مدون بر حواشی نسخه‌ای از مطوّل در مکتبه مجدالدین دیده‌اند. (همان، رقم ۱۱۲۵)

۲۴- حاشیه «أنوار التنزیل»: حاشیه‌ای است با عناوین «قوله» بر کتاب «أنوار التنزیل و أسرار التأویل» قاضی عبدالله بن عمر بیضاوی (ف: ۶۸۵هـ.ق). این نسخه از سورة حمد، آغاز و تا اواسط سورة نحل به انجام می‌رسد. (مرعشی، ص ۶۰۰)

۲۵- حاشیه علی شرح الشمسیة (روضانی، ص ۳۱).

۲۶- حاشیه بر شرح صمدیه‌ای که خود نوشته است (همان، ص ۳۱).

۲۷- حثیث الفلجة فی شرح حدیث الفرجة: مؤلف در حدائق العارف گفته که وی ابتدا حثیث الفلجة را تألیف کرده و هنگامی که در آن به بحث اثبات صانع رسیده و دیده است که بسط کلام او را از شرح حدیث خارج می‌کند، کلام را خلاصه کرده و در اثبات صانع کتاب مستقل حدائق را نوشته است (نهرانی، ذج ۶، ص ۲۴۸). نسخه‌ای از این کتاب به همراه تصانیف دیگر مؤلف به خط خود وی در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. این کتاب در بیش از سه هزار بیت (سطر) نوشته شده است. (همان، رقم ۱۳۵۱)

- ۲۸- حجیة الید: مؤلف در منتصف ربیع الاول ۱۱۱۷ هـ ق آن را به اتمام رسانده است. این کتاب در مکتبه سید محمد صادق آل بحر العلوم به همراه رساله‌ای در «تعارض الیدین السابقة و اللاحقة» به خط خود مؤلف موجود است. (همان، رقم ۱۵۲۳)
- ۲۹- حدائق العارف فی طرائق المعارف: مختاری این کتاب را برای امیر محمد باقر بن الحسن بن سلطان العلماء علاء‌الدین حسین، معروف به خلیفه سلطان، تألیف کرده و در اول کتاب فرق بین برهان لمی و اثنی را بیان نموده و گفته است که برهان‌ها در مباحث الهی یا لمیّات هستند یا اثبات یا مختلفات و در آن به کتاب دیگرش «أمان الإیمان من أخطار الأذهان» ارجاع داده است. حدائق حدوداً در سه هزار بیت (سطر) نوشته شده و در سنه ۱۱۰۸ هـ ق به اتمام رسیده است. (همان، رقم ۱۵۵۳)
- ۳۰- حسان الیواقیت فی بیان المواقیت: در بیان شب و روز و آنچه تعلق بدان دارد از احکام شرعی با استفاده از گفته‌های دانشمندان علم هیئت و نجوم در دو فصل؛ اول، در معنی شب و روز و ساعت‌ها و هفته‌ها؛ دوم در بیان احکام ماه و سال و جز این‌ها. (حسینی، فهرست مرعشی، ج ۹، صص ۱۶۱-۱۶۰)
- ۳۱- رساله فی تشاح الید السابقة مع الید اللاحقة. (آقا بزرگ، ذج ۱۱، رقم ۹۲۲)
- ۳۲- رساله فی تعارض الیدین السابقة و اللاحقة: مختاری آن را در رساله ترجمه حال خود ذکر کرده است. (همان، رقم ۹۴۶)
- ۳۳- رساله فی احکام الأموات: آنچه متعلق به محتضر است را تا آخر زیارت مؤمنین ذکر کرده است. این رساله به خط مؤلف در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. (همان، رقم ۲۱۴)
- ۳۴- رساله فی قاندة الید و کشفها عن الملک: موسوم به «حجیة الید» که گذشت. (همان، ج ۱۷، رقم ۷۵)
- ۳۵- زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر: بند و اندرزهایی است در بی اعتباری دنیا و توجه به پروردگار متعال و توجه و بازگشت به سوی خالق با اشعاری به فارسی و عربی از مؤلف یا دیگران در سه باب که فقط عنوان باب سوم در نسخه حاضر در توبه دیده

می شود. این کتاب روز جمعه یازدهم ذی القعدة ۱۱۰۹ هـ ق به پایان رسیده است.

(حسینی، ج ۱۶، ص ۱۵۳-۱۵۲)

۳۶- شرح بداية الهداية، تألیف شیخ حرعاملی. (آقا بزرگ، ذ، ج ۱۳، رقم ۴۰۰)

۳۷- شرح تهذیب المنطق. (همان، رقم ۵۵۶)

۳۸- شرح «خلاصة الحساب»: از تألیفات شیخ بهایی (فو: ۱۰۳۰ هـ ق). (همان،

رقم ۸۳۲)

۳۹- شرح الصمدية الكبير: مختاری بر صمدیه شیخ بهایی، سه شرح نوشته است.

شرح کبیر او در پنج مجلد بوده و حواشی زیادی بر آن نوشته شده است. مجلد اول آن در کتابخانه آیت الله مرعشی است. صاحب «الروضات» آن را شرحی ظریف توصیف

کرده است. (همان، رقم ۱۳۲۵)

۴۰- شرح الصمدية المتوسطة. (همان، رقم ۱۳۲۶)

۴۱- شرح الصمدية الصغير: مختاری آن را در پنج هزار بیت (سطر) نوشته است.

این کتاب در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. (همان، رقم ۱۳۲۷) از آخر این کتاب معلوم می شود که مؤلف دو شرح کبیر و متوسط را به پایان نرسانده است. (همان، ج ۱۶،

رقم ۳۰۲)

۴۲- شرح الصحيفة السجادية: شرح مزجی متوسطی است بر صحیفه سجادیه. در

نسخه حاضر، مقدمه کتاب و شرح دعای بیست و ششم و بیست و هفتم آمده و معلوم نیست که کتاب، تمام شده یا ناتمام مانده است. (حسینی، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۳۹)

۴۳- شرح لسان المیزان: شرح مزجی مفصلی است بر رساله «لسان المیزان» خود

مؤلف که بنا به درخواست بعضی از دوستان نوشته است. در این شرح، بعضی از مباحث فلسفی و ادبی نیز به مناسبت مطرح شده است. (همان، ص ۱۳۹)

۴۴- شرح زیارة الجامعة الكبيرة: شرح مزجی مفصلی است گویا ناتمام و در نسخه

حاضر فقط مقدمه و حالات حضرت هادی (ع) و قطعه‌ای از اوائل زیارت آمده است.

(همان، ص ۱۳۹)

- ۴۵- صفوة الصافی من رغوۃ الشافی: تلخیص کتاب «شافی» در امامت است و این کتاب از تلخیص دیگر مختاری موسوم به «الارتشاف» اخصر است و آن را بعد از ارتشاف تألیف کرده است. (آقا بزرگ، ذج ۱۵، رقم ۳۲۲)
- ۴۶- صیغ العقود: مرحوم آقا بزرگ آن را رساله‌ای فاخر توصیف کرده‌اند. (همان، رقم ۷۳۷)
- ۴۷- عروض العروض: در عروض و قافیه است. (همان، رقم ۱۶۷۰)
- ۴۸- عمدة الناظر فی عقدة الناظر: در بیان مسأله‌ای نذری که در عصر مؤلف روی داد. (همان، رقم ۲۱۸۰)
- ۴۹- الفرائد البهية: نام شرح الصمدیه صغیر مختاری که گذشت به جای «الفرائد»، «الفوائد» گفته می‌شود لیکن صحیح با «راء» است (همان، ج ۱۶، رقم ۳۰۲) مؤلف در ابتدای آن گفته که نام این کتاب را از نام خودش «بهاء‌الدین» گرفته است. (همان، رقم ۳۲۸)
- ۵۰- فرائد الفوائد: کشکولی در فوائد متفرقه است. این کتاب در کتابخانه آیت الله مرعشی است. (همان، رقم ۳۳۴)
- ۵۱- قبالة قبيلة: رساله‌ای ارتجالیه در بیان استقبال میت است. مختاری آن را در سه فصل نوشته است. (همان، ج ۱۷، ص ۱۷۵)
- ۵۲- قسام الموارث و اقسام التوارث: منتخبی است از کتاب «لطایف المبراث» مختاری که آن را به فارسی نوشته است. این کتاب از مقدمه، خانمه و دوازده باب تشکیل شده است. (همان، رقم ۴۱۴)
- ۵۳- القول الفصل فی المسح و الغسل: در حقیقت، غسل و مسح و فرق بین این دو و اینکه با یکدیگر تباین دارند با نقل اقوال بسیاری از فقها و رد و ایراد بر آنها، دارای چند فصل. (حسینی، ج ۹، ص ۱۵۹)
- ۵۴- لطایف المیراث لطائف الوراث: مؤلف نام آن را در ابتدای کتاب «تقویم المیراث» آورده است. (آقا بزرگ، ذج ۱۸، رقم ۲۹۲)
- ۵۵- لسان المیزان فی علم المنطق: مؤلف، خود شرحی نیز بر آن نوشته است.

(همان، رقم ۲۵۳)

۵۶- مصفاة السفاء لاستصفاء الشفاء: شرح فن طبیعی از کتاب شفا است. جلد اول

آن در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. (همان، ج ۲۱، ص ۴۲۴۴)

۵۷- المطرز فی اللغز: الغاز ادبی مشکل را در دو قسم حل نموده است؛ قسم اول،

در الغازی که مربوط به اعراب است؛ قسم دوم، در الازی که مربوط به معانی است.

(حسینی، ج ۴، ص ۱۹۲)

۵۸- مقالید القصود و موالید العقود: در تفصیل «صیغ العقود» است. (آقا بزرگ، ذ،

ج ۲۲، ص ۴)

۵۹- منتخب الأشباه و النظائر: منتخبی است از کتاب «الأشباه و النظائر فی النحو»

سیوطی. اصل کتاب در هفت مقصد بوده که در منتخب نیز همان ترتیب رعایت شده

است. (صدرایی، ص ۱۰۱)

۶۰- نحو میر: مختاری این کتاب را به فارسی نوشته است. (آقا بزرگ، ذ، ج ۲۴، رقم ۴۵۷)

۶۱- نظام اللثالی فی الأيام و الليالی: در آنچه که منعلق به زمان از شب و روز است.

این کتاب به خط مؤلف در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. (همان، رقم ۱۰۰۹)

ترجمة لهوف؛

همان طور که گفتیم این کتاب، قدیمی ترین ترجمه یافت شده لهوف است که تاکنون

ناشناخته مانده و حتی از نظر مرحوم آقا بزرگ تهرانی نیز که اکثر کتابهای مختاری را به

دقت دیده و ثبت کرده اند به دور مانده است و تنها جایی که برای اولین بار اسمی از آن

به میان آمده کتاب «الشريعة الی استدراک الذريعة»، تألیف دکتر سید محمد طباطبایی

(منصور) است (ج ۱، ص ۸۶-۸۷). بهاء الدین، مختاری، علت ترجمه کتاب را چنین

می نویسد:

«چون کتاب لهوف از مؤلفات سید فاضل زاهد... سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن

طاووس الحسینی رضی الله عنه با غایت اختصار مشتمل بود بر ذکر عمده احوال شهداء کربلا... و افهام عوام از

فهم معانی آنها از الفاظ عربیه قاصر و بعض طلبه از تصحیح مصحفات آن لفظها عاجز و حاسر بودند، به تکلیف

بعضی دوستان عنان همت را به جانب ترجمه آن مصروف و به صدق عزیمت نظر را به جهت شرح آن معطوف گردانید.» (نسخه، ص ۷)

اما اینکه گفتیم این نسخه احتمالاً نخستین ترجمه فارسی این کتاب است از نوشته بالا نیز به خوبی فهمیده می شود. زیرا معلوم می شود که این کتاب تا آن زمان از عربی به فارسی ترجمه نشده بوده است و مترجم برای استفاده فارسی زبانان دست به ترجمه این کتاب ارزشمند زده است. مخصوصاً قرینه «تکلیف دوستان» نظر ما را تقویت می کند. زیرا با وجود ترجمه یا ترجمه های دیگر نیازی به تکلیف دیگران نبود.

اما این کتاب یک ترجمه صرف نیست بلکه مترجم در جای جای آن، علاوه بر متن اصلی، روایت های دیگری نیز می آورد و اشعاری به عربی و فارسی بدان می افزاید. از جمله ابیاتی از مرثیه سرای بزرگ دوره صفوی، یعنی محتشم کاشانی آورده است که این، اوج شهرت این شاعر را در آن دوران می رساند. مترجم درباره این افزوده ها در متن اصلی، خود می گوید:

«و در بعضی مواضع اخبار مناسبه و اشعار موافقه و حکایات و زیادات لایقه و بک مقدمه اضافه نمود.»

(نسخه، ص ۷)

مقدمه او «در بیان ثواب ذکر مصائب ائمه علیهم السلام و گریستن بر ایشان» است. مترجم قسمت های مربوط به کتاب لهوف را با عبارت «مؤلف گوید» یا «مؤلف فرماید» از نوشته ها و اضافات خودش با عنوان «مترجم گوید» جدا کرده است، برای همین اصل کتاب لهوف از اضافات مترجم متمایز می باشد البته مترجم در قید و بند ترجمه تحت اللفظی کتاب نمانده است و در همان قسمت های ترجمه نیز به مناسبت موضوع، مطالب و ابیاتی اضافه می کند. بنا به گفته مترجم، وی نسخه های متفاوتی از لهوف را در اختیار داشته است به همین دلیل، عدم ترجمه بعضی روایات را دلیل عدم امانتداری وی نمی توان دانست. چه بسا در نسخه ای که در اختیار مؤلف بوده، این مطالب ترجمه نشده، نیامده بوده است.

شاید به جرأت بتوان گفت که ترجمه اللهوف بهاء الدین مختاری از خود لهوف

جامع تر و کامل تر است. زیرا مترجم، ناگفته های لهوف را نیز در جای مناسب خود بیان می کند و بسیاری از این ناگفته ها را از کتب معتبر دیگر نقل کرده که احیاناً خود مؤلف آنها را ندیده بوده است. مثلاً از امالی شیخ طوسی (ف: ۴۶۰ هـ.ق) چندین روایت آورده (از جمله صفحات ۸۲، ۲۴، ۹) که در کتاب لهوف نوشته نشده است.

از آنجا که مترجم از علمای بزرگ دوره خود بوده و به ادبیات عربی و فارسی تسلط داشته، نثر این کتاب را نیز به شیوایی و شیرینی تمام نوشته است. از صنایع ادبی به صورت متعادل استفاده کرده و در بعضی قسمت ها که عواطف بر او غلبه می کند، بی اختیار و بی هیچ تکلفی، شروع به نوشتن احساسات درونی خود به صمیمانه ترین و ساده ترین شکل در رثای اهل بیت می نماید به نحوی که نوشته او گاهی به شعر نزدیک می شود. یکی از زیباترین قسمت های کتاب، مربوط به زمانی است که امام (ع) به شهادت رسیده و اسب او پریشان حال و خونین بال به خیمه، باز می گردد. توصیف این صحنه را از زبان خود مختاری می آوریم:

«پس شبیه کنان و نمره زنان به جانب خیمه روان شد و برای اعلام به نزد زنان شد. پس بر دور خیمه ها می گشت و تخم اندوه در زمین کربلا می گشت... دانستند که آن امام غریب کشته شده و دنیا از ایشان برگشته شده. پس فریاد بر آوردند و آن دشت را به تزلزل در آوردند. گویا که به زبان گویای حال خطاب می کردند با آن اسب مبارک بال که از خون که سرخ است ای اسب این موی تو و از بهر چیست این اشک خون بر روی تو و از بی جستن کیست این نکاپوی تو؟ بیا تا زنده شود دل مرده از بوی تو.» (نسخه، ص ۱۲۶)

مختاری در شعر نیز دستی قوی داشت. او در ترجمه اللهوف دست به مرثیه سراین زده و یک شعر پانزده بیتی به عربی در بحر متقارب سروده که چند بیت از آن را در اینجا می آوریم:

طریحاً جریحاً بأیدی اللثام	بروحی أفندی حسیناً إمامی
وحید البراری أسیر الشراری	بولدی أفندی إمام الخیار
فمالی و من لی جمیعاً فداکم	و مالی ضنیناً بشیء سواکم

جالب اینکه او این شعر را در قالب مثنوی سروده است در حالی که این قالب در عربی چندان مورد استفاده نیست.

در این قسمت به برخی ویژگیهای ترجمه و نیز ویژگیهای رسم الخطی نسخه موجود اشاره می‌شود:

ویژگیهای ترجمه:

۱) استفاده از صنایع ادبی؛ مثلاً:

تشبیهات نو و بدیع: بستان که از پستان پیکان، شیر شهادت مکید. (نسخه، ص ۱۰۹)

پارادوکس: دست و پای بی‌دستی و بی‌پایی (ص ۴)

سجع: به طور کلی ویژگی اصلی مختاری در آثارش سجع‌گویی و قافیه‌پردازی اوست به نحوی که این مسأله به صورت طبیعت ثانویه برای او درآمده است (روضانی،

ص ۲۸): آن فرزند دل‌بند گهواره را و آن طفل شیرین شیرخواره را (ص ۱۰۹)

جناس: لشکر زیاد از این زیاد به وی رسید. (ص ۷۴)

تضاد: برای آن حرب دل بست و دست گشاد. (ص ۷۴)

۲) کاربرد برخی کلمات به صورت متفاوت با امروز؛ مثلاً، کلیسیا به جای کلیسا

(ص ۱۸۲)

۳) ساختن ترکیبات جدید: پدرم، علی، پیش‌اسلامتر و داناتر و حلم‌کننده‌تر بود.

(ص ۷۶)

۴) گاهی صفت و موصوف در جمع و مفرد مطابقت دارند: داخل شویم در

اطاعت ملعونان ملعون زادگان (ص ۷۷-۷۸)

۵) اصطلاحات خاص: از اسب در گردید (ص ۱۱۳) که در گردیدن به معنای فرو

افتادن است.

۶) وجود کلمات فارسی که اکنون رایج نیستند: در آفتاب بیابان تفسیدن ز یک

طرف (ص ۱۱۵)

۷) استفاده از «با» به جای «به»: تو را در بهشت با آباء و اجداد تو می‌رساند.

(ص ۱۱۷)

۸) مترجم گاهی روایتی به متن اصلی اضافه می‌کند که به مراتب مشهورتر و مقبول‌تر از روایت مؤلف است؛ مثلاً، در مورد نحوه شهادت حضرت عباس (ع) ابتدا قول مؤلف را ذکر می‌کند که قول معروفی نیست، سپس روایت دیگری را به آن اضافه می‌نماید که همان روایت مشهور نحوه شهادت ایشان است که برای آوردن آب به طرف فرات رفت و بدون اینکه خود آب بنوشد، مشک را پر کرد و در راه بازگشت؛ دشمنان دست‌هایش را قطع کردند و به مشک آب او تیر زدند. (صص ۱۱۳-۱۱۲)

ویژگیهای رسم الخطی نسخه:

۱) نوشتن «ک» به جای «گ»: کلاب اشک (گلاب اشک). (نسخه، ص ۱۰)

۲) سرهم نوشتن کلمات: هر کس ترک نماید (ترک نماید) سعی در حوایج خود را

(ص ۱۴)

۳) جدا نوشتن کلماتی که باید سرهم بنویسد: تو را به بینم (بینم) تنها و فرد

(ص ۹۶)

۴) «ها» ی غیر ملفوظ در آخر کلمات هنگام چسبیدن به «ها» ی جمع

می‌افتد: سبز شده دانه‌های (دانه‌های) غلات و رسیده است میوها (میوه‌ها) (ص ۳۲)

۵) آنجا که باید، بر سر الف علامت مد گذاشته است: برآورد (برآورد) خدای

تعالی حوایج دنیا و آخرت وی را (ص ۱۴)

۶) آنجا که نباید، بر سر الف علامت مد گذاشته است: به چشم خود دیدم پدر

بزرگوام و برادر نامدآرم (ص ۲۰۵)

۷) کم گذاشتن نقطه

۸) اضافه گذاشتن نقطه

۹) نوشتن «ه» به جای «ای»: ملعون است آن امانی که تو آورده (آورده‌ای). (ص ۷۷)

۱۰) وجود پاره‌ای اغلاط املائی: همچون، ظاهر به جای زاهر، برخواست به

جای برخاست.

تنها نسخه یافت شده از این ترجمه در کتابخانه مجلس به شماره ۱۶۵۰۱ موجود است. این نسخه حدوداً صد و بیست و دو سال پس از فوت مترجم کتابت شده است. عبدالعلی بن محمد حسین نائینی در ذی‌الحجه سال ۱۲۶۲ هـ.ق کتابت این نسخه را به پایان برده است.

نتیجه:

سید بهاء‌الدین محمد مختاری، دانشمند بزرگ عصر صفوی، کتاب لهوف سید بن طاووس را برای اولین بار از عربی به فارسی ترجمه کرد. از آنجا که این کتاب نخستین ترجمه فارسی لهوف و مترجم آن نیز از علمای بزرگ است، کتابی منحصر به فرد می‌باشد که اهمیت تاریخی بالایی نیز دارد. ترجمه اللهوف کتابی ادبی است که راجع به ویژگیهای نثر نویسی دوره صفویه اطلاعات فراوانی در اختیار ما قرار می‌دهد که به بعضی از آنها اشاره کردیم.

این ترجمه یکی از یادگارهای مذهبی ارزشمند از دوره صفویه برای ماست؛ دوره‌ای که به دلیل روی کار آمدن یک حکومت شیعی، کتابهای زیادی در مورد تشیع تألیف و ترجمه شد.

منابع:

- ۱- تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، جلدهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۴، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۲- تهرانی، آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعة (الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲ هـ.ق.
- ۳- تهرانی آقا بزرگ، مصنفات شیعه، ج ۲، به اهتمام محمد آصف فکرت، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۳ هـ.ق.
- ۴- بغدادی، اسماعیل پاشا، ایضاح المکنون، ج اول، استانبول، ۱۹۴۵ م.
- ۵- بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیه العارفین، ج دوم، انتشارات معارف، استانبول، ۱۹۴۵ م.
- ۶- جزئی، ملا عبدالکریم، رجال اصفهان، با حواشی سید مصلح‌الدین مهدوی، چاپ دوم،

- ۱۳۲۸ هـ.ش، بی جا.
- ۷- حسینی، سید احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت الله گلپایگانی، ج ۱، انتشارات خیام، قم، ۱۳۵۷ هـ.ش.
- ۸- دزفولی، محمد طاهر، سوگنامه کربلا، به کوشش صادق حسن‌زاده، چاپ ششم، انتشارات مؤمنین، قم، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۹- حسینی، محمد طاهر، فهرست نسخه‌های خطی آیت الله مرعشی، ج ۲ و ۴، زیر نظر سید محمود مرعشی، قم، بی تا.
- ۱۰- حسینی، محمد طاهر، فهرست نسخه‌های خطی آیت الله مرعشی، ج ۹، زیر نظر سید محمود مرعشی، قم، ۱۳۶۰ هـ.ش.
- ۱۱- حسینی، محمد طاهر، فهرست نسخه‌های خطی آیت الله مرعشی، ج ۱۶، زیر نظر سید محمود مرعشی، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۳۶۷ هـ.ش.
- ۱۲- خوانساری، میرزا محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۷، قم، ۱۳۹۲ هـ.ق.
- ۱۳- دهخدا، لغت نامه.
- ۱۴- صدراپی خویی، علی، فهرست نسخه‌های خطی مجلس، ج ۳۸، با نظارت عبدالحسین حایری، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۱۵- طباطبائی بهبهانی، سید محمد، الشریعة الی استدراک الذریعة، ج اول، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- ۱۶- طباطبائی بهبهانی، فهرست نسخه‌های خطی مجلس، ج ۲۴، با نظارت و مقدمه عبدالحسین حایری، انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- ۱۷- فهری زنجانی، سید احمد، آهی سوزان بر مزار شهیدان، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- ۱۸- مختاری، سید بهاء‌الدین محمد، زواهر الجواهر و نوادر الزواجر، مقدمه و تعلیقات از سید احمد روضاتی، ۱۳۳۸ هـ.ش.
- ۱۹- مرعشی، سید محمود، فهرست نسخه‌های خطی آیت الله مرعشی، ج ۳۴، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۳۸۵.
- ۲۰- میر ابوطالبی، ابوالحسن، ترجمه لهوف، با مقدمه شیخ فارس تبریزیان (حسون)، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۲۱- نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به رقم ۱۶۵۰۱.